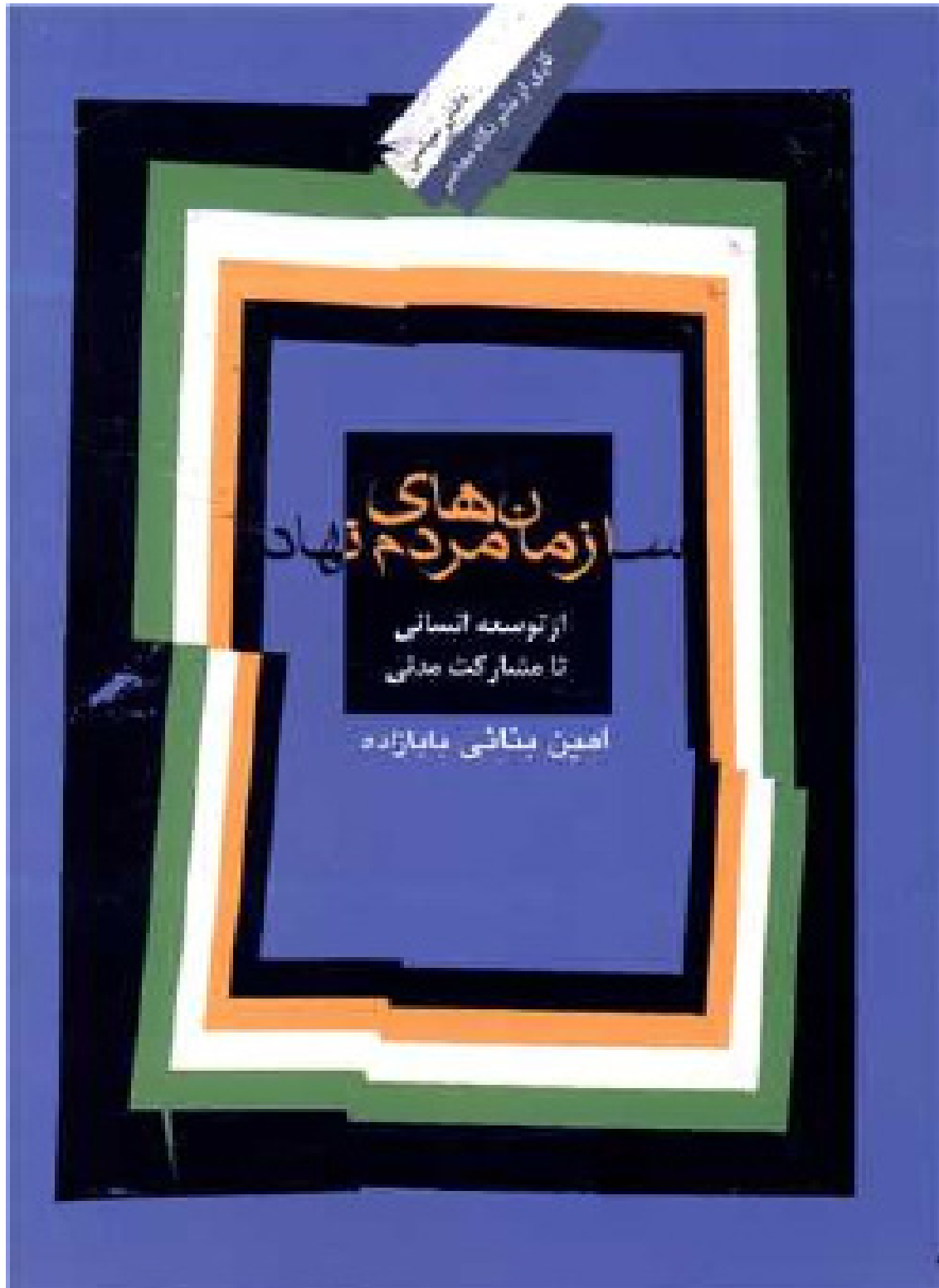


سازمان‌های مردم‌نهاد؛ از توسعه انسانی تا مشارکت مدنی

تالیف: امین بنائی بابازاده



تالیف کتاب سازمان‌های مردم‌نهاد؛ از توسعه انسانی تا مشارکت مدنی، تلاشی است در جهت تشخیص ظرفیت‌های نهفته سازمان‌های مردم‌نهاد، شناسایی موانع فراروی تعامل نظام‌مند آنها با نهادهای حکومتی و مدیریت پیشگیری از آسیب‌های احتمالی ناشی از فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد. این کتاب مشتمل بر پنج فصل و ۱۸۲ صفحه است.

در بخش مقدمه ایده و دغدغه اصلی نویسنده مورد بررسی قرار گرفته است. در این بخش از کتاب موضوع «مشارکت اجتماعی» در بطن نظام‌های سیاسی که یکی از مهم‌ترین ارکان جوامع محسوب می‌شود از دیدگاه دانشمندان مختلف و اندیشه غربی و نیز دین مبین اسلام و تفکر اسلامی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، توصیف کاملی از سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، زمان تاسیس و فعالیت و ویژگی‌های آنها ارائه می‌شود. فصل اول کتاب که با عنوان «کلیاتی در باب مبانی سازمان‌های مردم‌نهاد» آورده شده است، به تعاریف سازمان‌های مردم‌نهاد از سوی محققان، سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی مختلف می‌پردازد. در بیان این تعاریف و مفاهیم، مولف کوشیده است تا با توصیف اجزای اصلی مفهوم و عناصر مشترک و سازگار در تعاریف از جمله جامعه مدنی، توسعه انسانی و سرمایه اجتماعی به تفهیم دقیق‌تر موضوع کمک کند. این فصل در چهار بخش به بیان موضوعاتی همچون ویژگی‌ها، طبقه‌بندی، محورهای فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و مشارکت اجتماعی در این سازمان‌ها اختصاص می‌یابد. مباحثی همچون عدم وابستگی به دولت، خودجوش بودن، غیرسیاسی بودن و داشتن شخصیت حقوقی مستقل از جمله مواردی هستند که در این قسمت به تفصیل بیان شده‌اند.

فصل دوم کتاب مشتمل بر دو بخش است که بخش اول آن مروری بر نگرش‌های موجود پیرامون عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد دارد. دیدگاه اول از این مقوله، با پررنگ کردن نقش این سازمان‌ها در راستای جلب مشارکت افراد، توسعه انسانی پایدار، بازوی نهادهای دولتی و غیردولتی و کمک به ایجاد دولت حداقلی، از این سازمان‌ها به نیکی و ضرورت یاد می‌کند و سعی دارد چارچوب تعاملی سازنده را به نمایش بگذارد. در گذر از اندیشه‌های مختلف، نگرش‌های افرادی همچون روسو، برتراند راسل، هگل، مارکس و امیل دورکیم ارائه می‌شود. در بخش دوم این فصل موانع درونی توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد مورد توجه است که برای بیان این مبحث به تشریح موانع بیرونی و درونی پرداخته می‌شود. موضوع دیگر مطرح شده در این بخش، ارتباط تشکلی‌های مردمی و دولت است که در چهار شکل:

۱. رابطه نابرابر و وابستگی

۲. رابطه ناسازگاری و ستیز

۳. رابطه بیگانگی و عدم ارتباط

۴. رابطه برابر و همکاری متقابل تشریح شده است.

فصل سوم کتاب «سازمان‌های مردم‌نهاد؛ از توسعه انسانی تا مشارکت مدنی» به انگاره‌های تاریخی سازمان‌های مردم‌نهاد در پرتو جامعه مدنی و حقوق شهروندی می‌پردازد و در سه بخش تاریخیچه سیر تکامل جامعه مدنی، ریشه‌های تحقق حقوق شهروندی در جامعه مدنی و سیر تحول جامعه مدنی و حقوق شهروندی در ایران مطالبی ارائه می‌گردد. به گفته مولف برخی قدمت مفهوم جامعه مدنی را از آغازین روزهای تشکیل حکومت در جامعه انسانی از زمان نوح نبی می‌دانند. تجربه‌های تاریخی کشورهای توسعه‌یافته در مسیر نیل به جامعه مدنی و تحقق حقوق شهروندی نیز در این بخش مورد ارزیابی قرار گرفته است و در نهایت روند تحقق این دو مفهوم در گستره تاریخ ایران بررسی می‌شود. حقوق شهروندی از دو دیدگاه متفاوت نیز از جمله مواردی است که در این فصل به آن پرداخته می‌شود. دیدگاه اول ویژه بینش‌های اصالت فردی در جوامع مدنی است و دیگری بیشتر به جوامعی تعلق دارد که به نوعی دارای نگرش‌های جمع‌گرایانه هستند. سیر تحول جامعه مدنی و حقوق شهروندی در ایران از نیمه دوم حکومت صفویان بر پایه دو گروه قدرتمند علمای شیعه و بازاریان به‌وجود آمد که این سیر تحول به خوبی توسط مولف توضیح داده می‌شود.

در فصل چهارم کتاب، نحوه تعامل سازمان‌های مردم‌نهاد با قدرت سیاسی و دستگاه بوروکراتیک به‌عنوان یک اصل مهم در تعاملات نهادهای مردمی با محیط پیرامونی مورد تحلیل و بازخوانی قرار می‌گیرد و به مفهوم توسعه انسانی و رابطه آن با سازمان‌های مردم‌نهاد و دولت پرداخته می‌شود. در بخش دیگری از این فصل نحوه تعامل نظام سیاسی با سازمان‌های مردم‌نهاد و راهکارهای متعارف سیاست‌گذاری مطرح می‌گردد و به چند محور اساسی در قالب نحوه بهره‌جستن از ظرفیت سمن‌های موجود که در گذشته وجود داشته‌اند، هدایت فعالیت سمن‌ها به حوزه‌های مورد نظر، کمک به تشکیل و تکوین سمن‌های جدید با گرایش و اهداف توسعه‌محور و موضوعاتی از این قبیل مورد بحث و نظر قرار می‌گیرند. همچنین نمونه‌هایی از راهکارهای آموزنده کشورهای مختلف در خصوص نقش دولت و سمن‌ها، مدل‌های مختلف از جمله مدل آمریکای لاتین، آفریقا و آسیای جنوبی ارائه می‌شود. در ادامه در این فصل در بخش سوم الگوهای تعامل سازمان مردم‌نهاد و دولت در ایران بررسی می‌شود.

فصل پنجم و پایانی کتاب، مقالاتی را دربرمی‌گیرد که نویسنده در کنفرانس‌های بین‌المللی و ملی ارائه کرده است و به‌عنوان مطالعات موردی در عرصه سازمان‌های مردم‌نهاد انجام شده

با دولت و قدرت سیاسی برقرار می‌کند. در قسمت نتیجه‌گیری کتاب بار دیگر بر هدف و نقطه نظر کلیدی کتاب که همانا مشارکت اجتماعی و تعامل میان دو عنصر حیاتی جامعه/مردم و ساختار سیاسی است، تاکید می‌شود و ضرورت توجه و نگاه موشکافانه به بحث سازمان‌های غیردولتی مطرح می‌شود. در قسمتی از کتاب آورده شده است: «...نهادهای مردمی علاوه بر کارکردهای مختلف بشردوستانه نظیر کمک به قشرهای ضعیف جامعه، تاکید بر اصل حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست، می‌توانند عامل بسیار تعیین‌کننده‌ای در خصوص پنج شاخص توسعه انسانی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باشند. همچنین این نهادها به‌عنوان پل ارتباطی افراد جامعه با دولت تلقی می‌شوند و قادرند گفتمان انتقادی را به درستی در لایه‌های مختلف دولت و جامعه نهادینه سازند.»

است. این فصل در سه بخش به ارائه سه مقاله شامل «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در گسترش دیپلماسی عمومی»، «تأثیر سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتقای سطح امنیت اجتماعی جامعه ایران» و مقاله‌ای با عنوان «ارومیه بستر کنش سازمان‌های مردم‌نهاد در پرتو تعامل اقوام» اختصاص پیدا می‌کند. سخن آخر اینکه موضوع پژوهش کتاب بررسی عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد، ساختار و نقش این سازمان‌ها در مشارکت دادن مردم و ایجاد ارتباط با نظام سیاسی می‌باشد. از آنجا که این پژوهش مطابق با اهداف و روش‌های معمول در دانش سیاسی صورت گرفته است، ابعاد اجتماعی و سیاسی عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد را مورد توجه قرار می‌دهد که از منظر اجتماعی دربرگیرنده توسعه منابع انسانی و اصل مشارکت مدنی است و بعد سیاسی شامل همه آن پیوندهایی است که سازمان‌های مردم‌نهاد